مردم

روزنامه یومیه

صاحب امتیاز [illegible]

سال نخست شماره ۱۷۵ یکشنبه ۵ مهر ماه ۱۳۲۱ برابر با ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۲ تک شماره پنجاه دینار – تلفن ۹۶۴۸

زنان

این اواخر اغلب در جراید مقالاتی بر میخوریم که نویسندگان آنها با [illegible] بسیار اخراج زنان را از ادارات و بنگاههای دیگر تقاضا میکنند و از اینکه زن در کارهای بیرون از خانه شرکت جسته است ناخشنودند. تصور میرود که محرک نویسندگان مزبور این فکر است که در اثر اخراج زن از ادارات جای مردان باز و از شماره بیکاران کاسته خواهد شد و در نظر ایشان تنها علت شیوع بیکاری شرکت زنان در کار مردان است. در صورتیکه بیکاری [illegible] که در کشور های اروپائی وجود دارد نتیجهٔ علل اقتصادی چندی است که هنوز در کشور ما پدید نشده [illegible] و فقط سیاست غلط اقتصادی [illegible] موجب [illegible] شده است.

اصولا اگر دستگاه اقتصادی صحیح و فعال در کشوری وجود یابد هرگز از کارمند و کارگر اشباع نخواهد شد زیرا [illegible] و بیچوجه شرکت زنان در کار [illegible] بیکاری نیست. [illegible] در آن هنگام که [illegible] آلمان [illegible] که بیکاری را [illegible] [illegible] دستگاه [illegible] مولد بیکاری است [illegible] [illegible] زنان [illegible] [illegible] خواهد شد [illegible] [illegible] [illegible] کارگر [illegible].

اینجا محل بحث در این قبیل مسائل نیست. ما میخواستیم نظر [illegible] راجع بزنان و حقوق اجتماعی آنان [illegible] موقع [illegible] زن در جامعه ایرانی از نظر خود بپردازیم [illegible] زن را که [illegible] [illegible] مردان [illegible] زندگی ساخته. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حقوق اجتماعی خود را تحصیل کرده اند [illegible] [illegible] [illegible] نتیجه این است که زن [illegible] [illegible] [illegible] موجود است [illegible] [illegible] موجود بیاورد.

حتی در تجارب اخیر ثابت شده است که زن [illegible] [illegible] در کشورهائی که این مسئله [illegible] [illegible] زنان [illegible] و ریاضی‌دان و فیلسوف و شاعر و نویسنده [illegible] اینکه زن نمیتواند کار مرد را انجام دهد فکر مهمل و [illegible] است اگر این [illegible] [illegible] که خود را جوهر [illegible] و [illegible] دانسته زن را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مرد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است. حتی [illegible] [illegible] همهٔ کارها را میکرداند. در حالی [illegible] مسلم است کار زراعت و [illegible] از لحاظ زحمتی و سختی از کار های شهری دشوارتر است.

در کشور ما زنان با آنکه پیشرفتهائی کرده اند و حقوقی [illegible] [illegible] از حقوق [illegible] محرومند. [illegible] از آداب و عوائد [illegible] [illegible] [illegible] مانع میشود. روابط زن و شوهر در ایران [illegible] [illegible] [illegible] ایجاب کرده است [illegible] [illegible] و دختران خود میشوند. زن ایرانی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارد. آشکار است که [illegible] زن [illegible] اجتماعی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] یکی از علل [illegible] اخلاقی ایرانی را [illegible] [illegible] زیرا اغلب زنان ایرانی که [illegible] هستند همیشه در چهار دیواری خانه های خود محبوس مانده هیچگونه آزمایش [illegible] ندارند.

معذلک شرکت زنان در امور اجتماعی تصور میکنند که فساد [illegible] زنان ناشی از این امر است. ما تصدیق میکنیم که این فساد روز بروز بیشتر می شود ولی معتقدیم که علل آن جهالت و [illegible] و کثرت ازدواج است. و همانطور که حامی جدی زنان در راه مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی می باشیم، بهمان ترتیب جداً معتقدیم که [illegible] [illegible] اصلاحات لازمه بشود و از شیوع فساد و [illegible] [illegible] [illegible] جلوگیری بعمل آید.

بارها میگویند زن فقط برای بچه داری، یکجا رفتن و طبخ کردن [illegible] تحصیل علم یا شرکت در امور مرد را ندارد. شاید

مردان [illegible] این حرفها را برای پیش بردن مقاصد سیاسی میزنند [illegible] [illegible] واقف باشند ولی [illegible] [illegible] که این عقیده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. چه حقی مردان خود را در زندگی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible].

زن در ساختن اجتماع سهیم است پس باید از ثمرات اجتماعی بهره‌ور شود. زن را نمیتوان از [illegible] و از ریشه اجتماعی محروم گردانید [illegible]

زندگی خانوادگی او آسیبی برسد. در کشور هائی که زنان را بحقوق خود رسانده اند در هر اداره یا کارخانه یا بنگاهی که زن کار میکند تالاری مخصوص کودکان وجود دارد. زنان کودکان شیرخوار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در آنجا روز ها تحت نظر زنانی که به علم آموزش و پرورش آشنائی دارند بار آیند و شبها در آغوش مادر خود بسر برند.

ما معتقدیم که زندگی خانواده ای در ایران وضع بسیار بدی دارد و روابط زن و شوهر و حقوق زن در خانواده و اجتماع بد است. باید این وضع اصلاح شود. ما با بیرون کردن زنان از ادارات جداً مخالفیم زیرا در مورد اغلب این زنان احتیاج موجب کار شده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد بود.

جبهـــــهٔ دوم

هر قدر در جبهه شوروی و آلمان جنگها خونین‌تر و سخت‌تر گردد این موضوع بیشتر جلب توجه می کند: –

«پس جبههٔ دوم چه شد؟!» زیرا چهار ماه پیش هنگامیکه هنوز سربازان محور در جبهه شوروی حملات «بهاری!» خود دست نزده بودند. مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی بهوای لندن و سپس واشنگتن مسافرت نمود [illegible] طرح دوستی و همکاری منعقد هنگام جنگ و پس از آن ریخته شد. انجمن لندن تصمیم گرفت که در سال ۱۹۴۲ جبههٔ دوم گشایش یابد و واشنگتن نیز تصمیم این انجمن را قبول نمود.

لیکن پس از مراجعت مولوتف بمسکو از نطق ایدن وزیر امور خارجه انگلستان معلوم بود که موضوع برداشت گامهای عملی بطرف همکاری [illegible] [illegible] [illegible] مشاهده موجود است.

حمله «بهاری» از هجوم [illegible] [illegible] سباستوپل شروع شد و [illegible] [illegible] های متفقین [illegible] را بشکست [illegible] [illegible] نوع فداکاری در روحیه اهالی جوان این مکرراً پیش از پیش [illegible]: **«آیا شوروی ها تنها بایستی فداکاری کنند؟»**

لیکن خوشبختانه در مقابل این سئوال میشنیدند که ملیونها مردمان دیگر یا در جزیره انگلستان بتشکیل انجمن هائی [illegible] [illegible] [illegible] رئیس جمهور خود نامه می نویسند و همگان [illegible] که: **«ما هم میخواهیم فداکاری کنیم!»**

مدتی از آن میان گذشت روزنامه های انگلستان و آمریکا نیز مقاله ای در باب لزوم فوری گشایش جبهه دوم نگاشته لیکن [illegible] [illegible] محافل دولتی هر دو کشور گوش میرسید که حاکی از آن [illegible] که ملت از خود نشان میدهد بود. مثلاً محافلی که با وزارت امور خارجه آمریکا و انگلستان تماس داشته اظهار میشود که [illegible] تحت تاثیر آراء ملت در این باره نخواهد رفت. اما این جریانات نیز مانع از تشکیل انجمن‌ها و تصویب قطعنامه‌ها که خود نمونه [illegible] [illegible] فداکاری و حس

[illegible] مقاله ملل انگلیس و آمریکا و شوروی [illegible].

سباستوپل سقوط کرد و در از آن دستگاههای رادیو شوروی و روزنامه های آنکشور مقالات و سخنرانی های مفصلی را که دائر بر لزوم اتحاد فوری جبهه دوم بود درج و یا منتشر میساختند و همگی بر این عقیده بودند که اکنون که منتهی حد فشار اروپائی بدوش ملت اتحاد شوروی است متفقین بوسایلی که در دست دارند میتوانند فورا از پشت سر ضربه ای سهمگین [illegible] وارد سازند.

مایسکی سفیر کبیر شوروی در لندن بارها اظهار داشت که ملت من بیش از سایر ملل متحمل خسارت و [illegible] شده. معادن اسلحه و مهمات [illegible] [illegible] این مواد تا [illegible] میدان رزم [illegible] [illegible] بلا تاثیر خواهد بود.

[illegible] [illegible] و درخواستها آنهم هنگامیکه [illegible] [illegible] در برابر سیل آهن و آتش شهرها و [illegible] خود را سوخته تحویل دشمن میدادند صورت [illegible] [illegible] گردید.

و شهرهای کلن – امین – برمن – و [illegible] – هامبورک – دوسلدورف – [illegible] [illegible] حملات هوائی متفقین واقع گشت. این

بقیه در صفحه ۴

تربیت نژاد خالص

طبق اصول و عقاید فاشیسم

نژاد شناسان قلابی فاشیسم که فرهنگ و تمدن بشریت را مربوط به گردی یا درازی جمجمه و یا رنگ مو و چهره میدانند راهی منطقی در پیش ندارند هر کدام به [illegible] عجیب و مضحکی گیر کرده‌اند فرو میمانند.

لیکن منافع مادی و طبقاتی اغلب آلمان را بدین جا رسانده است که نژاد خالص آلمانی بایستی بر سایر نژادهای پست (!) حکمروائی کند.

ما بارها طی مقالات عدیده خاطرنشان ساخته‌ایم که اولاً بعضی از نژادهای دیگر که بگفته فاشیست ها فاصله میان میمون و انسان حقیقی هستند (!) از ریشه نژاد آریائی و هند و اروپائی بوده و یا اغلب از زمامداران فاشیست آلمان یا اطریشی هستند (هیتلر) و یا خون اسلاو در تن دارند (گورینگ) و یا جمجمه و استخوان بندی آنان طبق نظریات نژادشناسان بزرگ (!) فاشیست نیست (گوبلس).

بنا بر این سرمایه داران و جهانگیران فاشیست دست شل که از همه جا کوتاه شده بدامان «علم» متوسل شده و میخواهند نظریات جنایتکارانه خود را جنبه «علمی» دهند و لذا خود اهالی آلمان حتی هائی که تا دیروز از نژاد برگزیده (!) آلمانی محسوب میشدند نیز اخیراً بدو دسته تقسیم شدند:

۱ – آلمانی پاک نژاد (!)

۲ – اهالی نواحی شمالی آلمان

این تقسیم بندی از این لحاظ اهمیت دارد که کوه نشینان و اهل [illegible] دامنه های آلپ جزو نژاد پاک آلمانی قلمداد شده اند در صورتی که روشن فکران و انقلابیون شهر های شمالی آن کشور در درجه دوم واقع گشتند.

فاشیسم برای پیشرفت سیاست داخلی خویش مصمم شد که از جوانان ولگرد و هرجائی بعنوان برگزیده ترین فرزندان دنیا و دسته های حمله هیتلری (S.S) استفاده کند.

افراد S.S (اس – اس) حق هر گونه تجاوز مالی و ناموسی بهر کس و در هر جا که باشند دارند.

اداره تربیت نژاد خالص آلمان اساسنامه ای انتشار و در آن گوشزد نموده است که زنان زیبا و خوش اندام بایستی با جوانان (اس – اس) جفت گیری کنند و اگر احیانا زنی از فرمان آنان سرپیچی نمود در حکم فراری از جبهه جنگ محسوب و بزودی تیرباران میشود. اغلب اتفاق افتاده است که یکی از جوانان اس – اس [illegible] دختری [illegible] میکند وی بی محابا بدو تکلیف جفت گیری کرده است و طفلی که بوجود آمده فورا بنام نمونه برجسته از نژاد آلمانی قلمداد گشته است.

این موضوع ثابت میکند که این

بقیه در صفحه ۴

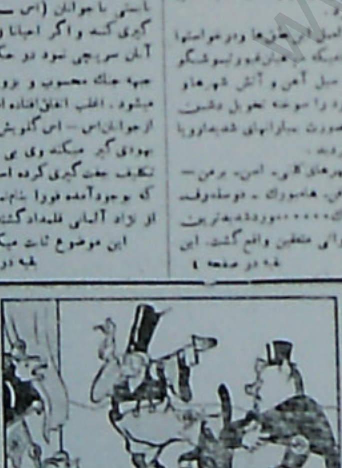

فرمانداران ماهر به آلمان فاشیستی بترتیب از چپ براست: هیتلر، گوبلز، فن ریبن تروپ، هیملر، دکتر [illegible]

www.iran-archive.com

۲۵۰۰۰ جنازه آلمانی

در هفته اخیر درحومه شهری افتاده که

مدافعینش اخیراً دو تپه و یک قصبه را متصرف شده اند

مسکو — خبرگزاری انگلیس خبر می دهد بطوریکه خبرگزاری شوروی اطلاع داده سرهنگ رکیف اعلام نموده که شماره تلفات نیروی آلمان در نبرد استالین گراد طی هفته گذشته از بیست و پنج هزار تن تجاوز کرده است.

مسکو — هارلد کینگ خبرنگار مخصوص خبرگزاری انگلیس چنین اطلاع داده است: از قرار معلوم اوضاع نبردی که مدتی بیش از یکماه است روی تصرف یا حفظ استالینگراد در گرفته تغییر یافته است. نیروی فرماندهی مارشال تیموشنکو با ورود نیروی تازه نفس از راه ولگا تقویت گردیده و هنوز در برابر حملات آلمانها در داخل شهر پایداری میکند. فشاری که نیروی شوروی از شمال استالینگراد وارد میاورد آلمانها را ناگزیر می سازد برای جلوگیری از نهضتی که در جناح چپشان میشود عقب نشینی کنند. تصرف دو تپه مشرف بر شهر و یک قصبه که اهمیت لشکر کشی دارد و همچنین ورود نیروهای کمکی برای مدافعین دلیر که در کوچه ها با دشمن میجنگند مساعدت فوق العاده مینماید. حمله مأیوسانه آلمانی ها با پشتیبانی دویست تانک و هزاران کامیون پر از نیرو که بقصد درهم شکستن پایداری نیروی شوروی صورت گرفت بکلی در هم شکسته شد. آلمانها با [illegible] دیگر حمله پردازند ولی از شکست نخستین خود پی میبرند که مدافعین استالینگراد سنگربندی کامل کرده اند. نیروی آلمان دسته بزرگی از تانکهای سنگین و سبک بمیدان جنگ فرستاد و کوشش بسیار کرد یک کوچه مهمی را که از وسط شهر منتهی برود ولگا میشود تصرف کند.

در یکی از بخشهای جبهه واحدهای شوروی طی ۱۲ ساعت ده حمله آلمانی ها را متوقف ساخته و شب هنگام با نهایت شدت حمله متقابله پرداخته و آلمانها را از چند خانه که هنوز ویران نشده بود بیرون راندند. در شمال باختری استالینگراد برای تصرف جاده مهمی نبرد بسیار شدیدی جریان دارد و آلمانی ها مقدار زیادی توپ وخمپاره انداز و تانک وهواپیما وارد میدان کرده اند و میکوشند پیاده نظام خود را از وضعیت دشواری نجات بخشند. شهر استالینگراد با وجود ویرانی ها و خرابیهای فراوان هنوز بزندگی خود ادامه میدهد و آنچه مردم از لحاظ نان و آب لازم است [illegible] وبانوها در زیرزمینها [illegible] کار میکنند. در ولگا که مین گذاری شده کرجی ها دائماً در پناه پرده های دود مصنوعی مهمات و اسلحه وارد شهر می کنند.

۴۰۰۰ تن بمب بر طبرق افکنده شد

اسیران فراری در جنگ

لندن — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد بطوریکه محافل رسمی لندن اظهار میدارند امروز [illegible] بمب افکنهای انگلیس بر هدف های اسلو حمله برده اند.

قاهره — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد از موقعیکه طبرق بدست نیروی محور افتاده طی این مدت [illegible] نیروی هوائی متفقین آن شهر را بمباران نکرده است. هواپیما های متفقین ۴ هزار تن بمب بر این بندر فرو ریخته اند و از آغاز ماه ژوئن چهل کشتی باری که مجموع ظرفیت آن ها شصت هزار تن بوده بوسیله نیروی هوائی متفقین که در دریای مدیترانه مشغول اند [illegible] غرق شده است.

مسکو — خبرگزاری شوروی خبر میدهد [illegible] ماه سپتامبر در قطعه ای واقع در نزدیکی شهر «لیبز» یک دسته از اسیران جنگی فرانسه بر نگهبانان آلمانی حمله برده و ۷ تن از آنها را کشته و در کوهستان ها فرار کرده اند. در بسیاری از نواحی دیگر دیده شده که اسیران فرانسه فرار اختیار کرده اند. گزارشهائیکه در این روز ها رسیده حاکیست که یک دسته بزرگ از اسیران جنگی فرانسه از بازداشتگاه ها فرار کرده و وارد [illegible] یوگوسلاوی شده و به جنگ جویان غیرنظامی یوگوسلاوی ملحق شده اند.

۴۸۸ کشتی در ۱۲ ماه

چینیها در خطوط دشمن نفوذ کرده اند

واشنگتن — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد کمیسیون امور دریائی امریکا امروز [illegible] میدارد که طی ۱۲ ماه اخیر ۴۸۸ کشتی در امریکا ساخته شده است.

چونگ کینگ — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بنا بر اعلامیه چینیها که امشب انتشار یافته نیروهای چین در حومه جنوب (ولیاتن) که یک شهر مهم لشکر کشی میباشد و [illegible] (اینها بین (کینهوا) [illegible] (چکیانگ) و کرانه مسلط است نقطه مهمی را از ژاپنیها پس گرفته اند.

ستاد ارتش متفقین استرالیا — طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس کبیر که روز آدینه انتشار یافته اشعار میدارد در گینه جدید یک واحد بزرگ از هواپیما های شکاری متفقین بر جاده فرودگاه کوکودا حمله برده و انبار های پر از آلات و ادوات جنگی دشمن را طعمه حریق ساخت. یکدسته دیگر از هواپیما های متفقین (وی دوبی) را که از پیش به دسته هوانوردان ما آسیب رسیده بود بمباران نمود. هوانوردان ما نتوانستند نتیجه عملیات خود را تشخیص دهند. در جزایر سلیمان در بوکا بمب افکنهای متفقین بر فرودگاه بوکا حمله بردند و به هواپیما های دشمن ضربتهای مستقیم زدند. ضربتهائی نیز بر [illegible] نمودند. امروز بامداد در (رابول) با وجود شدت شلیک نیروی ضدهوائی دشمن یک واحد از بمب افکنهای سنگین متفقین بر کشتیهای دشمن که در کرانه لنگر انداخته بودند حمله بردند و یک کشتی چهار هزارتنی را با ضربت مستقیمی که از پهلو زدند آسیب رسانیدند. در آن کشتی حریقی برخاست انفجار هائی دست داد و بعقیده ناظرگان [illegible] آن کشتی غرق شد. تمام هواپیما های ما بپایگاه خویش باز گشتند. در سلسله کوههای استانلی اوضاع تغییری نیافت.

دفاع مسکو معجزه سال

گذشته بود لیکن دفاع استالین گراد نمونه

درخشانی از دلاوری ارتش سرخ در سال ۱۹۴۲ بشمار خواهد رفت

لندن — خبرگزاری فرانسه آزاد مضمون مقاله شماره امروز روزنامه تایمز را در باره رزم استالین گراد و روحیه متحدین آلمان چنین نقل میکند: پایداری شگفت انگیز سربازان سرخ در استالینگراد در روحیه سربازان آلمانی و مخصوصاً در روحیه سربازان کشور های متحد آلمان اثری بسیار نامطلوب بخشیده است. استالین گراد هنوز پایداری میکند و بدین ترتیب معجزه مسکو بار دیگر بدست سربازان سرخ تکرار شده است. دفاع مسکو معجزه سال ۱۹۴۱ بود. دفاع استالین گراد نمایشی درخشان از دلاوری ارتش سرخ در سال ۱۹۴۲ بشمار خواهد رفت.

مسکو در مقابل حملات کمرشکن دشمن ایستادگی کرد. استالین گراد نیز پس از یکماه حمله خشم آمیز و بی سابقه دشمن همچنان پایداری می کند. در حقیقت ارتش سرخ به پیروزی مهم خود نائل شده است زیرا بر فرض هم پس از این مدت استالین گراد مغلوب گردد روحی که معرکه سربازان سرخ بوده و دفاع استالینگراد مظهر آنست در مقابل هیچ نیروئی در روی زمین مغلوب نخواهد شد. خطوط دفاعی شوروی شکست پذیر است لیکن روح سربازان سرخ مغلوب شدنی نیست. آلمانها اکنون [illegible] تبلیغات خود [illegible] و معنوی و [illegible] روحیه ارتش سرخ اعتراف میکنند و این اعتراف [illegible] صورت گرفته و [illegible] بیش از حد تصور گران تمام شده است. آلمانها [illegible] از [illegible] نیروی معنوی و روحی ارتش سرخ غافل مانده و این [illegible] جنگ را [illegible] آنها [illegible] نتیجه این [illegible] هم اکنون در نظر خود آلمانها ودر نظر کلیه جهانیان آشکار شده است زیرا امروز همه میدانند که در اثر دفاع استالین گراد دیگر آلمانها بهدفهای جنگی امسال خود دست نخواهند یافت. البته هنوز معلوم نیست که زمستان آینده در روح سربازان آلمانی چه اثر خواهد بخشید لیکن چیزی که قطعی است اینست که اکنون دولتهای زیر دست آلمان که باجبار وارد جنگ شده اند از خواب خوش خویش یکسره بیدار شده و سربازان آنها یکباره روحیه خود را از دست داده اند. ایتالیا نیز که با شور و آمال شرکت در جنگ بر علیه شوروی وارد گردیده از این قاعده مستثنی نیست.

سپس روزنامه تایمز گزارش مفصلی از طرف خبرنگار خود در استانبول انتشار داده است که طی آن چنین اشعار شده است: اطمینان و اعتمادی که دولتهای دست نشانده آلمان در سال گذشته داشته اکنون جای خود را به اضطراب و تشویش فوق العاده سپرده و این دولتها مایلند بهر قیمت شده باشد از معرکه خارج گردند. دیگر در این کشور ها از پیروزی محور صحبتی نمیشود. دیگر هیچ کس نسبت بروسائی که یک زمان بتصور شرکت در لقمه چرب و نرمی که در خاک شوروی بدست محور خواهد افتاد وارد جنگ شده و جز بدبختی ومرگ و فلاکت چیزی برای ملت خود بارمغان نیاورده اند ابراز علاقه نمیکند. همه مردم این کشورها فقط یک چیز میخواهند و آن اینست که هر چه زود تر گلیم خود را بیرون کشیده و از شر ارتش سرخ شوروی آسوده گردند.

ملت روس هرگز سر تعظیم فرود نیاورده است

ورود میهمانان شوروی به کانادا

مسکو — بقرار اطلاع خبرگزاری شوروی [illegible] سر مقاله [illegible] می نویسد: ملت روس همواره ملت بزرگی شناخته شده است و این نه فقط بملاحظه گذشته عظمت روسیه میباشد بلکه برای آن است که ملت روس دارای خصائل و اوصافی میباشد که تاریخ ویرا برای فتوحات خارق العاده حاضر کرده است. تاریخ روسیه سر اسر پر از وقایع هیجان انگیز میباشد. خصائلی که امروز مورد احترام و تحسین تمام گیتی واقع شده یادگار روزهای گذشته ای میباشد که ما بدست خالی با دسته های وحشی مغول [illegible] کرده آینده تمام اروپا را از خطر آنها محفوظ داشته ایم. در آن تاریخ سرزمین ما قطعه قطعه گردید و [illegible] روسیه آغشته شد اما ملت روس تحت لوای (دیمتری) بسلطه دشمن خاتمه داد و روسها را آزادی و نجات بخشید. و فاتحین که نصف گیتی را بتصرف در آورده بودند با خاک یکسان شدند. ملت روس در مقابل حرص جهانگیری (ناپلئون) سر تعظیم فرود نیاورد. از آن تاریخ تا کنون روسها بر محیط بزرگ پرورش فرهنگی خود که سرمایه ملیونها زن و مرد گردید [illegible] صنعت و ادبیات روس را [illegible] بخشیده ایم و همین صنعت و همین ادبیات است که امروز ملت روس را در انظار عموم جهان سربلند ساخته است. صنایع ما در پرتو جنگ کنونی و در زیر ضربتهای شدید وحشیان با تابش زیادتری فروغ میدهد. نامهای پر عظمت (پوشکین و تولستوی [illegible] و چایکوفسکی و [illegible] و گرکی ما را بمبارزه دلیرانه و پیروزی دعوت مینماید. هر اندازه که دشمن بر شدت [illegible] بیفزاید بهمان اندازه اعتماد ما بحصول پیروزی زیادتر خواهد شد. ما میدانیم که باید مقاومت و پایداری نمائیم و ما بر این پایداری خواهیم کرد. تمام افراد ملت ما این مسئله را میدانند و در سر این جنگ جان و هستی خود را مصروف داشته اند. ملت ما بر دشمن غالب خواهد گردید و بهمین لحاظ است که من اورا دوست میدارم. من در روزهای شادمانی و در روزهای مشقت [illegible] با یك عشق و علاقه فرزندی اورا دوست و گرامی میدارم و بزرگترین افتخار من اینست که [illegible] ملت میباشم.

اتاوا — چنانکه خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد در [illegible] کانادا بمناسبت ورود دسته نمایندگان دانشجویان شوروی مرکب از پاولیشکو و کراسوچکف و [illegible] نمایشهای متعددی حاکی از ابراز علاقه مندی و ستایش بسیار نسبت به اتحاد جماهیر شوروی و ارتش سرخ داده شده است. در ایستگاه راه آهن تورنتو [illegible] وزیر این استان شخصاً از هیئت نمایندگی دانشجویان شوروی استقبال [illegible] اتومبیل [illegible] کاخ فرماندهی [illegible] کرد و عده زیادی از رؤسای کشوری و نظامی و مدیران سندیکا ها نیز در مراسم استقبال حضور داشتند. ده ها هزار تن از کاناداییها با هیجان تمام مقدم نمایندگان شوروی را تبریک گفتند. هیئت که با پرچم های شوروی و کانادا و اوراق بزرگ حاوی جملات دوستی آمیز تزئین شده بود وارد گردید. در مجمعی که بافتخار میهمانان شوروی منعقد گردید بیش از بیست هزار نفر شرکت جستند و [illegible] فرماندار نظامی شهر به هیئت نمایندگان دانشجویان شوروی تبریک ورود و خیرمقدم گفته آنها را [illegible] ملت رزمنده و دلاور خوانده و اظهار اطمینان کرد که ملت شجاع شوروی [illegible] پیروز بیرون خواهد آمد. کراسوچکف در پاسخ فرماندار تورنتو از دوستان کانادائی اتحاد جماهیر شوروی و متفقین این کشور نسبت بکمکی که بشوروی میکنند سپاسگزاری کرد و اظهار داشت که باید بیش از پیش [illegible] متفقین در راه [illegible] افزوده شود تا آنکه ارتش فاشیست آلمان درهم شکسته شود و دنیا از شر وحشی گری جنایتکارانی چون هیتلر خلاص گردد. نطق کراسوچکف مورد کف زدن ممتد حضار قرار گرفت. سپس هیئت نمایندگی شوروی کتاب [illegible] شهر را امضا کرده و [illegible] اتحادیه سربازان کهن سال جنگ [illegible] را دیدار کرده و [illegible] وزیر استان تورنتو و ژنرال [illegible] فرمانده نظامی این استان [illegible] روزنامه های بزرگ تورنتو [illegible] ورود هیئت نمایندگی دانشجویان شوروی تصاویر متعددی انتشار [illegible] و ستون های بسیاری بشرح [illegible] پاولیشکو و دلاوریهای این [illegible] اتحاد جماهیر شوروی اختصاص [illegible]

قتل ژنرال رتاو و عده

زیادی از افسران ارشد و سربازان آلمانی در رژف

ویلکی جبهه و اسرای آلمانی را بازدید کرده است

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس رادیوی مسکو امشب خبر داده که ژنرال رتاو فرمانده لشکر بیست و نهم آلمان و بسیاری از افسران ارشد دیگر آلمانی در رژف کشته شده اند. شماره افراد جنگی دشمن ۶۰۰۰ نفر تقلیل یافته و در برخی از گروهانهای دشمن اکنون بیش از ۲۵ تا ۳۰ نفر زنده نمانده اند.

میدان جنگ — چنانکه خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد در چند بخش ناحیه ورونژ اکنون پیکارهای بسیار شدیدی ادامه دارد. واحدهای ما مواضعی را که بدست آورده اند مستحکم کرده و حملات متقابل دشمن را عقب میرانند. روز بیست و سوم سپتامبر در شمال ورونژ چهار حمله متقابله پی در پی دشمن درهم شکسته و در نخستین حمله پانصد سرباز و افسر آلمانی کشته شدند. اندکی بعد آلمانها از نو حمله پرداخته ولی این بار شلیک شدید مسلسلها و تفنگهای نیروی شوروی آنها را متوقف ساخت. تانکهای دشمن یکی پس از دیگری از کار افتادند و پس از آنکه ده تانک دشمن [illegible] در میدان نبرد برجای ماند پیاده نظام دشمن با دادن تلفات بسیار سنگین عقب نشست و مهمات و مواد جنگی بسیاری بدست نیروی ما افتاد. عده زیادی از افراد دشمن نیز اسیر شدند. در جنوب ورونژ نیز عملیات جنگی با شدت تمام ادامه دارد و واحد های ما چندین حمله متقابله دشمن را درهم شکسته و قریب دویست تن از سربازان و افسران دشمن را نابود کردند. [illegible] یکی از [illegible] تانک های شوروی [illegible] یکی از رانندگان تانک از خود دلاوری فوق العاده ابراز داشته بدین ترتیب که یکبار تانک ایشان در گودالی در افتاد و با وجود این دست از شلیک برنداشته و در نتیجه هم تانک خود را نجات دادند و هم بیش از ۳۰ تن از افراد دشمن را از پای در انداختند و [illegible] که [illegible] گروهان تانک [illegible] و سر زخم برداشته بود بر یک تانک سوار شده و بر دشمن [illegible] حمله پرداخت و یک تانک و یک توپ آلمانی را از کار انداخت و یک انبار مهمات دشمن آتش زد.

مسکو — هارلد کینگ خبرنگار خبرگزاری انگلیس از مسکو اطلاع میدهد وندل ویلکی نماینده مخصوص روزولت رئیس جمهوری آمریکا بسمت (رژف) مسافرت کرده و در پنج میلی خط جبهه بسر برد بدون آنکه [illegible] در آنجا اقامت کرد و امروز بامداد بمسکو بازگشت. وی در یک اتومبیل آمریکائی از نوع جیپ نشسته که مدت یازده ساعت [illegible] خطوط جبهه را دیدن کرد. ژنرال لیلیوشنکو که سی و هشت ساله است و سابقاً [illegible] نیروی [illegible] بوده و مفتخر باخذ نشان لنین و دو نشان دیگر پرچم سرخ گردیده و بقهرمان اتحاد جماهیر شوروی ملقب شده همراه وی بود. وندل ویلکی اظهار داشته است که آنچه در ارتش سرخ دیدم تاثیر عمیقی در من نمود. با اسیران جنگی که از آلمانها گرفته شده گفتگو کردم. این اسیران لباس نازک [illegible] داشته و دندانهایشان از سرما بهم میسائید. از پرسشهائی که نمودم بمطالب مهمی پی بردم فقط از شکست ناپذیر بودن نیروی [illegible] چیزی نفهمیدم. وندل ویلکی با عده زیادی از سربازان و افسران ارتش سرخ گفتگو کرد. ژنرال بردلی آمریکائی و سرهنگ (مچلیا) وابسته نظامی سفارت کبرای آمریکا همراه وی بودند.

مسکو — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بنا بر خبریکه از جبهه خبرگزاری شوروی [illegible] است کلیه تشبثات آلمانها در منطقه مزدوک بمنظور شکافتن خطوط دفاعی شوروی عقیم گردیده است. آلمانها در یک نقطه تنگی سی و پنج تانک [illegible] مهم پیاده نظام تمرکز داده بودند. در نتیجه حملات متقابله شوروی بیست تانک آنها منهدم گردیده یا آسیب دیده است و بقیه عقب نشینی کرده. پیاده نظام دشمن هم تا مواضع اول خود عقب رانده شد. در قطعه دیگر واحدهای شوروی که مشغول پیشروی هستند بجاده هائی که راه حمل و نقل مهمات دشمن میباشد رسیده اند. آنجا بسیاری از کامیونهای آلمانی آتش زده شده است و در اثنای [illegible] نیروهای شوروی تپه ای را که بتصرف در آورده بودند مستحکم کرده اند.

تکفروشیهای روزنامهٔ مردم

کتابفروشی فرخی	خیابان ری پهلوی کلانتری ۷
عبدالکریم مجمی	اول خیابان فردوسی
[illegible] شرق	مقابل مسجد سپهسالار
صباح	خیابان ژاله
کتابفروشی البرز	چهارراه یوسف آباد
کتابفروشی گلشائی	مقابل کافه شهرداری

(سند راست) و برنامه‌های جدید (فر | ساعه | ۴۰ | ۷ | اثر دو [illegible] روزنامه [illegible] تلفن شماره ۶۶۴۸ رجوع [illegible]

یادداشتهای زندان

دکتر ارانی —۴۷—

فعالیت دکتر ارانی را هنگام آزادی باید بر دو بخش نمود اگر چه هدف یکی بود - فعالیت علمی - فعالیت سیاسی. محصول فعالیت علمی دکتر ارانی کتب بسیاری است که راجع به فیزیک - شیمی - پسیکولوژی - تئوریهای علم و غیره نگاشته است. محصول فعالیت سیاسی پرورش عده جوانان روشن فکر و ماتریالیست [illegible] مجله دنیا را باید مجموعه از فعالیت دوگانه دکتر دانست. در این مجله از نقطه نظر علمی افکار سیاسی خود را منتشر کرد. در این مجله دکتر برای نخستین بار در ایران اسلحه مبارزه بر علیه فاشیسم را بدست داد.

دکتر ارانی از زمان ورود بایران تا تاریخ گرفتاری دمی فارغ ننشست. همانطور که خود او در دفاع [illegible] گفت تاریخ روزی راجع باو و اعمال و افکار و اقدامات او قضاوت خواهد کرد و تصور میرود از هم اکنون وقت آن رسیده است که اجتماع فعالیت او را با نظر تعظیم بنگرد و نام دکتر را با احترام یاد کند.

ooo

نخستین بار که من دکتر ارانی را دیدم هنگام ملاقات در زندان بود. پیش از آن او را نمیشناختم زیرا هنگام آزادی من دکتر در ایران نبود و در آلمان بسر میبرد. با گرمی مخصوص [illegible] و چون تهور و شجاعت [illegible] داشت [illegible] حبس [illegible] و حرف حق را آشکار گفتن و در مقابل ظالم [illegible] دوست میداشتند بازجویان [illegible] بزودی گرم شد و آنها را مورد احترام قرار داد. حقیقت آنست [illegible] او پس از مدت کوتاهی با فکر [illegible] و شجاعت عمل خود دوستی و احترام [illegible] را بسوی خود جلب کرد.

بطوریکه گفته شد دکتر ارانی [illegible] و دوستان [illegible] که همه را [illegible] و دوستکو می‌پنداشت هنگام [illegible] در شهربانی چنانکه خود او [illegible] میکرد نخست در [illegible] را باور کرده و نزدیک بود فریب پلیس را بخورد ولی بواسطه حدت هوش و [illegible] زودی بیدار شد و روش خود را [illegible] پاسخ گفتن سؤالات پلیس عوض کرد و رفتار او در زندان بطوری بود که جا دارد سرمشق برکسانی قرار گیرد که بر علیه ظلم و ستم [illegible] کنند.

در ماه دوم یا سوم حبس برای تقویت روح کسانیکه با او گرفتار شده بودند روی کاغذ پاره‌ای پیامی نوشت و آنها را متوجه نمود که در حفظ حیثیت و شرافت انسانی خود بکوشند تا در «اجتماع که چون رودخانه در جریان و تغییر است مانند قطرات صافی و روشن باشند نه چون قطراتیکه بلجن آلوده شده» ولی این کاغذ از تصادف بدست پلیس افتاد و جواشیر تصور آنکه برگه خوبی بدست آورده است خواست از دکتر مطالبی کشف کند. تصمیم شکنجه او گرفته شد. پس دستور دادند که لباس روی دکتر را بگیرند و در اطاق بدون فرش و بدون اثاث جایش دهند. اطاق ۲۸ کریدور ۳ را که مرطوب ترین و بدترین اطاقهاست برای اینکار اختصاص دادند. پس از سه ماه دکتر ارانی با وجود برودت هوا بدون روپوش روی سمنت اطاق میخوابید و در همان حالت تاکج اطاق روی سمنت مسائل ریاضی طرح می کرد.

این وضع دکتر ارانی را روز بروز مجرب تر ساخت. [illegible] شد. چنان با خونسردی [illegible] شکنجه را تحمل کرد که مأمورین مطلب را حیرت آورد. از پیشرفت کار خود مأیوس شدند و چون جنایات او برای مرتکبات حتمی احتیاج داشتند ناگزیر بستر و لباس و فرش اطاق او را باو بازدادند.

دکتر ارانی از آن پس در زندان مبارزه بر علیه پلیس مشغول بود. هر چه مدت حبس را در حجره بسر برد. [illegible] - قتل محبوس سیاسی - هر کس را که در دسترس خود میدید تشویق میکرد [illegible] پند میداد [illegible] و آنها که گناهی مطلق و حقوق را که پس از مدتی مورد علاقه و دوستی همه کس قرار گرفت.

قبل از محاکمه دکتر ارانی بواسطه فرار کند [illegible] گرسنگی [illegible] حمله شرح آن را خواهیم آورد غذای خورده و [illegible] حجره بسر می برد. [illegible] و آزادی که مأمورین زندان مخصوص [illegible] میساختند [illegible] او را مأیوس و پژمرده سازند بلکه بر هیجان و قدرت روح او افزوده [illegible] در همان حالت دفاعیه مشهور خود را تنظیم کرد.

حقایق باور نکردنی

یا چند نمونه از جنایات هیتلری ها از زبان

مردم شوروی ۰۲۰

چوبهٔ دار — تیر باران

مهاجمین فاشیست آلمانی پس از اشغال دهکدهٔ ماکیه منازل را غارت کردند حتی لباسهای اطفال را ندزدیدند از چیاول لوازم آشپزخانه نیز صرف نظر نشودند. همهٔ خانها را آتش زدند کلیه تاسیسات اجتماعی و فرهنگی را از بین بردند.

اهالی را در مقابل کوچکترین تخلف و سرپیچی دسته دسته تیر باران نمودند و یا در کوچها و خیابانها به بالکنهای عمارات بدار کشیدند. قبل از اعدام با بیرحمانه‌ترین وضعی افراد بیگناه را زجر و شکنجه میدادند و در حقیقت پیکرهای مرده بیجان را بدنگدگه می‌بردند. بدین ترتیب در مدت زمان قلیلی ۱۲۰۰ نفر از اهالی ده ما را قتل عام کردند. در داخل این عده متجاوز از چند صد نفر بچه ، زن و پیر مرد وجود داشتند.

در دهکده چانوو جنایتکاران آلمانی پس از هزیمت در برابر سربازان سرخ در موقع فرار از ده ۴۶ نفر از بازماندگان کشاورزان را در دو اطاق جمع نموده و بوسیله انفجار دینامیت‌ها را منهدم کردند. در بین این عده بیگناه ، عده زیادی زن و بچه وجود داشت که همگی در نتیجه انفجار دینامیت قطعه قطعه شدند من میتوانم شرح مشاهدات خود را برای تو بنویسم ولی قلب و فکر حساس زنانهٔ من طاقت تحمل این عملیات وحشیانهٔ درندگان آدمنما را ندارد. من جاهائی را [illegible] هرگز حتی صورت اجزای هم شبیه بودم با چشمان خود دیدم و هر لحظه تنفر و کینه شدیدتری نسبت بستمگران آلمانی در خود احساس کردم.

در دهکده دیاکیو فاشیست های قیطان صفت ۲۱ تن از سربازان سرخ را که بیاسارت گرفته بودند بابیرحمانه ترین وضعی پس از زجر و شکنجه بزیاد سوزاندند همچنین وانیلوا چند نفر کارگر راه آهن را بدون هیچ علت و سبی بدار کشیدند.

خانم رایا شوهر خود ستوان پلیسه زندان فاشیستی

فرزند عزیز هرگز فراموش نکن که تو مدافع شایسته ترین دیگر آزادی و انسانیت در برابر هجوم بربرهای فاشیست میباشی . راهزنان آلمانی مسکن ما و موطن تو را ویران کردند . هر جا پا گذاشتند که آتش تمدن و فرهنگ را که کارگران شوروی با تحمل رنج و زحمت زیاد در سرزمین ما ایجاد کرده بودند محو و نابود نمودند این حشرات موذی دختران و زنان ضعیف و بی کشور تو را به اسارت و غلامی بردند و از اعمال هر گونه رفتار ننگ آور و توهین آمیز نسبت با آنها خودداری ننمودند. برادران تو می و رفقای کارگر مرا با پستی و بیشرمی تمام زجر دادند ، خفه کردند سوزاندند ، تیرباران نمودند و بدار آویختند . اینک چند نمونه از جنایات و آدم کشیهای مهاجمین آلمانی را که در دهکده ما اتفاق افتاده برای تو نقل میکنم تا تکلیف خود را با دشمنان خود را بهتر شناسی و بدانی که چگونه باید انتقام گرفت :

در مدتیکه دهکده ما تحت اشغال لاشخواران هیتلری بود ۲۴ نفر از سربازان اسیر شوروی در آنجا بودند فاشیستها روزانه ۱۰۰ گرم نان کپک زده سیب زمینی و مقداری سوپ گوشت اسب مرده بآنها میدادند و در مقابل ۱۴ ساعت کار سنگین از آنها میگرفتند در حقیقت زندگی آنها مرگ تدریجی بود مرگی که در هر شبانه روز چندین بار گریبان آنها را میگرفت زجر میداد ولی راحت نمیکرد

موقع هجوم ارتش سرخ سربازان آلمانی چون خود را ناگزیر به فرار دیدند اسرای مذکور را بهم بستند ، نفت ریختند و با قساوت بی نظیری آتش زدند . بطوریکه جز مشتی خاکستر از آنها اثری باقی نماند .

فرزند عزیزم ! نوشته های فوق دروغ نیست . اغراق نیست حقیقت محض است . حقایقی است که بچشم خود دیده‌ام فجایع و جنایاتی است که شخصا ناظر آنها بوده‌ام تنها یک سفارش بتو میکنم این جملات مادرانه را بپذیر : هرگز اسیر مشو !

اگر دستگیر شدی ، [illegible] تو را دیگر فرزند خود نمیدانم سرباز سرخ تا مرگ یا افتخار را در پیش دارد بایداش تن باسارت دهد . دشمن ما وحشی است ، درنده است دعاوی انسانیت نمیفهمد . با ملت مغلوب به خصوص با سربازان اسیر بنظر پستی و حقارت مینگرد . از اعمال هر گونه رفتار خشونت آمیز و بیشرمانه نسبت آنها فروگزار نمیکند.

تو نیز سنگدل باش بیرحم باش با نظر انتقام بدشمن تبهکار بنگر نگذار تا میتوانی بکش . تا میتوانی انتقام بکش . اگر شخصا ناظر فجایع و جنایات ننگین آنها بودی سرباز هیتلری را با دندان پاره پاره میکردی. پس رحم نکن ، بکش !

بانو مارپا به فرزند خود سرباز سرخ ترسیکین

ترجمه: ناصر وثوقی

قلم ژ - ب - مرتن

—۳۰—

سقوط باستیل

۲- شاه در ورسای و هجوم زنها

شاه را میخواهیم — شاه روی بالکن بیاید. مردم شاه را میخواستند. اهالی پاریس بخاطر او ورسای هجوم کرده بودند. ولی لوئی هنوز تصمیمی نداشت و مبهوت و حیرت زده بلافایت نگاه میکرد. لافایت میگفت مردم تقاضا دارند شما بفوریت بپاریس برگردید . لوئی نمیخواست در این مبارزه مغلوب شود ولی خواهی نخواهی قدرت مردم بر قدرت او میچربید و خودش هم میدانست که مغلوب شده است . اگر فرار کرده بود دیگر برایش این کرسی هزار امیر نمایندند ولی کار از کار گذشته و باید بپاریس برگردد . آنجا دیگر پادشاه نخواهد بود و بر پشت ملت سوار نخواهد شد . بلکه پاریس زندان بزرگ و دلباری است که برای پذیرفتن او آغوش گشاده و فرزندانش را به پیش باز فرستاده است . او میل خودش بپاریس نمیرفت بلکه ارادهٔ ملت بود که او را بپاریس می برد همانطور که ارادهٔ کرور ملی لافایت را بورسای کشانید . باستیل زیاد از جای برخاست و بطرف بالکن رفت گوئی که سه سال بعد در تولیری نتوانست انجام دهد اینجا ساده‌میکرد لوئی - پادشاه فرانسه را هاله وار گرفته بود ولی نه اینی کهشاهد و هیبت جمعیت را خاموش کند و قدرت فرمان دادن از او سلب شده بود . بزبان دیگر کلاهش پلم نداشت لافایت دستش را بعلامت سکوت بلند کرد و همهای مردم را در سینه حبس نمود شاه نتوانست چیزی بگوید یا نخواست گفته باشد . لافایت با مردم صحبت کرد . ولی صحبت او هم چنگی بدل نبرد و تودهٔ مردم نمیداد . ناگزیر هر دو بر گشتند ازینکه هرگز بیاید بودند !

بانگ و فریاد بازهم بلند بود و بلندتر میشد حالا ملکه را میخواستند این او بود که بعقیدهٔ این آتش سوزان افروخته شد و اولین اخگر از قلب او شراره کشید و آتش انقلاب را روشن کرد . دو ساعت پیش از این همین ملکه را میخواستند بخون بکشند بدن لطیف و زیبایش را قطعه قطعه کنند و شاعر کدام تکهٔ را بنشانهٔ انتصار برای همیشه نگه بدارند بیچاره ماری آنتوانت . اگر از این مردم دیوانه که اصالت خانوادگی - ابهت و وقار سلطنت - عظمت و خال او را هیچکدام بنظر شان نیامد اطاعت نکند چه خواهد شد ... بی اختیار ملرزید و اضطراب بی پایانی او را پریشان میکرد لافایت مقابلش ایستاده بود و با پررویی تمام میگفت باید این کار را انجام دهید . آری باید از مردم از تودهٔ ملت بهر قیمتی که برای شما تمام شود . اطاعت کنید . ماری فکر میکرد شاید اگر اطاعت نکنم مردم حمله دیگری دست بزنند آنوقت جان شوهرم و زندگی کودکانم در خطر است . هر چه باداباد . تسلیم میشوم جز این هم چارهٔ ندارم ولی حالا که تصمیم گرفت ترس و وحشت را کنار گذاشت و با جرأت اقدام کرد . دست دختر و پسرش را گرفت با گامهای استوار و چهره گشاده در بالکن رفت . یکمرتبه دیگر باز فریادهای مخالف برخاست . بچه‌ها را نمیخواهیم ما بدون بچه ملکه اطاعت کرد و دست بچه‌ها را رها نمود تنها در بالکن ایستاد . قلبش از تحقیر مردم و تنفر خودش نسبت بآنچه پیش آمده بود درد میکرد و اندیشه‌اش هنوز در آسمانها پرمیزد . آثار خستگی و بیخوابی از چهره‌اش نمایان بود . موهایش درهم ریخته و پریشان بنظر میرسید . دگمه‌های لباسش را نینداخته و با شتاب آنها را بتن کرده بود ولی هیچ نترسید و مثل کوه ایستاده و استوار بود . مردم چیز قابل ستایش با احترام در او ندیدند . صدائی بلند شد ، تیرش بزنید با گلوله کارش را بسازید . از یک گوشه تفنگی بلند شد . ولی تیری خالی نکردند . میگویند دو تیر بطرف او خالی شد یکی زیر پایش بالکن خورد و دیگری بسقف بالکن اصابت نمود ولی ماری همانطور ایستاده و از جایش حرکت نمیکرد .

فولاد آبدیده

ن اوستروسکی

ترجمه ا. ا. شیعه

(۱۷)

فصل سوم

موشلوو با نوک پا لگدی به چند کرم ها زد . چند تا هوا بلند شده غلطی زده در آب افتاد . قطرات آب بطرف پالیشه بصورت تونیا خورد

تونیا گفت :

— سوخار کو خجالت نمیکشی ؟

پاول بلند شد . او میدانست که سوخار کو پسر رئیس کارخانجات تعمیر راه آهن است که آرتم در آنجا کار میکند و اگر این لاغر مردنی را کتک بزند پدرش بپیش شکایت خواهد کرد و بالاخره کار به آرتم خواهد رسید و این یک علت باعث شد که پاول از مداخله فوری خودداری کرد .

سوخار کو فهمید که پاول میخواهد او را بزند پیشدستی کرده جلو دوید [illegible] سینهٔ پاول زد . پاول کنار آب ایستاده و کم مانده بود که توی آب [illegible] ولی دستها را [illegible] اگر داده خم شد و در آب نیفتاد .

سوخار کو دو سال از پاول بزرگتر بود و مشهور بود که سوخار کو اولین [illegible] و جنجال در پاور شهر است .

پاول بعد از این ضربه صبرا و تحملش طاق شد

— حالا که اینطور شد بگیر .

با حرکت کوتاه دست کشیدهٔ محکمی توی گوش سوخار کو زد . بعد [illegible] مولت بعد محکم [illegible] و پیراهن [illegible] کرد و او را گرفته بطرف [illegible] کشید .

سوخار کو تا زانو توی آب فرورفته کفش و شلوارش تر و یک خود را [illegible] کرده میخواست خودرا از چنگ پاول خلاص کند . پاول فشار داده دیر شانی توی آب هول داده کنار پرید .

سوخار کو خشمگین از سرش بلو رفته پشت سر پاول دوید . حاضر بود او [illegible] را تکه تکه کند .

پاول بطرف سوخار کو برگشت فورا بخاطر آورد :

« تکیه روی پای چپ . پای راست کشیده یک کمی خم ضربه به خط باصطلاح با تمام بدن . از پائین بالا . درست زیر چانه » [illegible]

صدای شکستن دندانهای سوخار کو احساس شد . درد سوزان استخوان چانه ، سوخار کو را از حال برد . دستها را تکان داده با تمام بدن در آب افتاد . تونیا در کنار دریاچه بدون اینکه بتواند خود داری کند با قهقهه می خندید داد میزد .

— براوو . براوو . خیلی خوب بود .

تونیا کف میزد .

پاول دسته قلاب را گرفته کشید و رشته ها را گسیخته و براه افتاد موقع رفتن شنید که ویکتور بتونیا می گفت :

— این لات زبردست همان پاول کورچاگین است .

ooo

در ایستگاه راه آهن عدم امنیتی حس میشد . از خط خبر میرسید که کارگران راه آهن میخواهند اعتصاب کنند . در ایستگاه بزرگی که در نزدیکی قرار داشت کارگران کارخانجات تعمیر دست از کار کشیده بودند . در هر رانندهٔ قطار واحد پارتیزانی و توزیع دعوتنامه مورد سوء ظن واقع شده و از طرف آلمانیها زندانی شده بودند . کارگرانیکه با دهات مربوط بودند بیشتر از همه در هیجان بودند زیرا ملاکین سر املاک خود برگشته و مصادراتی انجام گرفته بود شلاق کدخدایان بدهات روی گردهٔ دهاتیان واخته میشد . در شهرستان بخش پارتیزانها شروع شده بود . تعداد این دسته‌جات که اغلب بدست بولشویکها ایجاد شده بود بصد ها بالغ میشد .

در این روزها ژوخرای استراحت نداشت . او از موقعی که در این شهر اقامت داشت کارهای زیادی انجام داده بود . با خیلی از کارگران کارخانجات تعمیر راه آهن آشنا شده و مواقع غروب هرجا که جوانان جمع میشدند در آنجا حاضر بود . دسته بزرگی از کارگران کارخانجات راه آهن و کارخانجات چوب بری ترتیب داده بود . سوخار خود آرتم را هم آزموده بود در جواب سؤال او که آرتم چگونه بکارهای بولشویکها و حزب نگاه میکند کارگر تومند گفته بود :

— میدانی دا فدور من از اینکارهای حزب وانها کیشر سر در نمیآورم ولی اگر کمکی لازم باشد همیشه حاضرم . میتوانی کاملا امیدوار باشی .

فدور با این جواب قانع شده بود . میدانست که آرتم مورد اطمینان است اگر چیزی را گفت حتما همان است . و اضافه کرد « آرتم هم پیش خود فکر میکرد » معلوم میشود هنوز کارمندی حزب برایش زود است . اهمیت ندارد . موقعیت طوری است که بزودی معلومات لازمه را اخذ خواهد کرد . »

فدور از کارخانه برق بکارخانجات تعمیر راه آهن منتقل شد . اینجا بهتر میتوانست کار کند . موقعی که در کارخانهٔ برق بود دستش براه آهن‌ها نمیرسید . حرکت ورفت وآمد در روی خط آهن خیلی زیاد بود . آلمانی ها تمام چیزهائی را که از غارت و چپاول اوکراین از قبیل گندم ، جو ، گاو و گوسفند وغیره بدست آورده بودند ، با قطارها واگون بآلمان میبردند .

ooo

در ایستگاه بطور غیر مترقبه پلیس گشتاپو(۱) متصدی تلگراف پاورامنکو را بازداشت کرد . در اطاق رئیس مستحفظین راه آهن کتک مفصلی باو زدند معلوم شد راجع به تبلیغات بین کارخانه‌ای آرتم برومان سیدورنکو صحبتی کرده است .

در هر آلمانی و یکنفر از طرفداران گتمان که معاون رئیس مستحفظین راه آهن بود در موقع کار پی رومان آمدند . طرفدار گتمان نزدیک ماشینی که رومان روی آن کار میکرد آمده بدون مقدمه با شلاق بصورت رومان نواخت گفت :

— بجنب . پشت سر من بیا . صحبتی داریم باید صحبت کنیم . و با نهایت عصبانیت آستین استاد کارگر را گرفته کشید و اضافه کرد :

— آنجا ملوا هم تبلیغ کن .

آرتم که در روی گیرهٔ پهلودستی کار میکرد او را اکنون انداخت و جلو عصبانیت خود را گرفته با تمام هیکل روی طرفدار گتمان حمله نمود و داد زد :

۱- گتمان یکی از دست‌نشاندگان آلمانها در موقع اشغال اوکراین میباشد

Дефект переплета

نظر کلی بمحاکمه مختاری

(۸)

چگونه خائنین را کیفر میدهند

سست گیری - سهل انگاری!

محکم بلاجولی، در موقع دفاع و بطور کلی در تمام جریان محکمه دست متهمین را خیلی باز گذارده بودند، نسبت بآنها خیلی سست گیری میکردند، وقتیکه از موقعیت سوء استفاده میکردند جلو گیری از آنها نمیشد. این وجه ریاست محکمه بقدری به تأثیر کرده و آنها را جری نموده بود که بکلی وضعیت خود را فراموش کرده و به پشت گرمی این ضعف دادگاه هر چه میخواستند [illegible] میکردند، هر عمل خلاف انتظامی مرتکب میشدند و هرج و مرج عجیبی راه انداخته بودند. دیگر این اواخر مخصوصا پشت گرمی وکلای مدافع کار را به وقاحت رسانده و از هیچ سوء استفاده رو گردان نبودند و در تمام این مدت و با تمام این وقاحتها و [illegible] هیچوقت رئیس دادگاه از آنها جلوگیری نمیشود. این وجه دادگاه [illegible] را عصبانی میکرد، روزنامه نگاران را آشفته و خشمگین میساخت، اعتراض میکردند، در روزنامه ها می نوشتند ولی کو گوش شنوا! وضعیت محکمه روز بروز [illegible] آزادی متهمین لحظه بلحظه زیادتر، سوء استفاده شان بیشتر میگردید. مثل اینکه در این سست گیری و سهل انگاری مخصوصا عمدی وجود داشت [illegible] تصور میکردند و غیر از این [illegible] نمیشد [illegible] محکمه و [illegible] را صحیح میکرد؟ اگر عمدی نبود [illegible] چرا رئیس محکمه از آن [illegible] های پشت سر هم [illegible] که بمتهمین [illegible] میشد [illegible] را در مورد متهمین و وکلای مدافعشان بکار نمیبستند؟ اینکه قضیه بر عکس است و [illegible] متهمین [illegible] هستند [illegible] بطور [illegible] میکردند [illegible] اعتراضی [illegible] میدادند [illegible] مردم توهین میکردند [illegible] میشدند [illegible] قاعده را که تصور کنید میکردند!

مثل اینکه یکی از این جنایتکاران برای بلاجولی یا دفاع [illegible] هر چه که میخواست میگفت [illegible] میگفت، توهین میکرد، از مطلب پرت میشد آسمان و ریسمان را بهم میبافت [illegible] و وقت [illegible] میشد که وقت محکمه را تلف نماید [illegible] دل میرفت و شروع میکرد [illegible] مفصل [illegible] فلان اداره بگویند. با اینکه [illegible] زندگی خود را از زمانیکه [illegible] افتاده تا یوم حاضر یکه یکه و مو بمو تعریف کنند [illegible] خداوند صبر و حوصله به این آقایان [illegible] کرده بود که همه را [illegible]

ولی [illegible] میکردند؛ شاید اینها شعر خوانده و جادو کرده بودند؟ [illegible] این آقایان را هم توجه بودند!

تنها خود متهمین مختار و [illegible] نبودند بلکه وکلای آنها هم از آزادی [illegible] بودند. هر کس [illegible] و محیط را [illegible] باشد میداند که اینان تا کجا خود را آزاد دانسته و چه مطالب شرم آوری را بی پروا بیان میکردند؛ مثل این بود که قبلا آنها مصونیت و اجازه تام و تمام داده بودند که اینها [illegible] مقررات و [illegible] دادگاه را زیر پا گذاشته و [illegible] عمومی و مقدسات مردم توهین میکردند [illegible] دادگاه و [illegible] کرد که [illegible] محکم بود!

در خارج از محکمه [illegible] متهمین بر خلاف مقررات آزادی [illegible] داشته اند [illegible] میکردند [illegible] هیچگونه [illegible] صورت [illegible] متهمین که [illegible] وکلای [illegible] محکمه و بطور کلی وضعیت [illegible] آقایان [illegible]

[illegible] آزادی [illegible] جنایتکاران [illegible] که [illegible] میکردند [illegible] باشد [illegible] است [illegible] که [illegible] نبوده [illegible] تو [illegible] برای [illegible] آمده [illegible] که [illegible] گفت [illegible] بآنچه [illegible] خود را [illegible] اعتماد [illegible]

خبرهای کشور

ملاقات با آقای نخست وزیر

آقای نخست وزیر دیروز از ساعت ۷ صبح در منزل شخصی سرپرستی کارها و ملاقات و پذیرائی اشتغال داشتند، عده ای از آقایان نمایندگان مجلس ایشان را ملاقات و در خصوص کارهای مجلس و لوایح دولت مذاکره داشته اند.

این ملاقات ها تا ساعت ۱۱ طول انجامیده است و سپس در ساعت ۱۱ و نیم آقای نخست وزیر در کاخ سلطنتی حضور یافته و سپس بکاخ ابیض آمده و مشغول کار شدند و تا دو ساعت بعد از ظهر مشغول رسیدگی بامور بودند.

جلسه هیئت وزیران دیروز ساعت ۵ بعد از ظهر در کاخ ابیض تشکیل گردید.

رسیدگی به بودجه تفصیلی

دیروز پیش از ظهر کمیسیون فرعی بودجه بحضور آقای [illegible] وزیر پیشه و هنر و بازرگانی در مجلس تشکیل گردید و بودجه تفصیلی آن وزارتخانه مطرح و مورد رسیدگی قرار گرفت.

در کمیسیون فرعی فرهنگ نیز با حضور آقای [illegible] معاون وزارت فرهنگ بودجه تفصیلی وزارت فرهنگ رسیدگی شد.

در وزارت خواربار

آقای [illegible] وزیر خواربار مشغول [illegible] تشکیلات جدید میباشند [illegible] که از هر حیث مناسب [illegible] مخصوصا در پیشرفت کارها سریع باشد.

کلیه امور مربوط بگندم و جو و برنج و قند و شکر و چای و نفت [illegible] وزارت خواربار متمرکز خواهد شد و موضوع [illegible] کشور [illegible] اول کارهای وزارتخانه قرار گرفته و [illegible] این موضوع با [illegible] حمل و نقل [illegible] در قسمت [illegible] حمل و نقل و [illegible] نواقص آن [illegible] پیشنهادهای [illegible] شود که زودتر [illegible] وسائل نقلیه [illegible] و بطور کلی وزارت خواربار با جدیت مشغول کار شده است.

بطوری که اطلاع یافته ایم اداره نظارت و اجرای قانون منع احتکار ضمیمه وزارت خواربار خواهد شد.

موضوع جیره بندی نان نیز در این وزارتخانه مورد مطالعه قرار گرفته است.

مستشار برای خواربار

چون [illegible] مستشار برای خواربار و جیره بندی مورد توجه دولت واقع شده بود چندی پیش دولت بوسیله سفارت ایران در واشنگتن آقای [illegible] متخصص در امر خواربار و جیره بندی را که حاضر شده بودند برای [illegible] به ایران بیایند برای مدت سه سال استخدام نمود.

بطوری که اطلاع یافته ایم آقای [illegible] دیروز بتهران وارد شده اند و [illegible] مشغول کار خواهند شد.

مستشار برای شهرداری

چون دولت در نظر دارد که در تشکیلات شهرداری اصلاحات لازمه بنماید از چندی پیش در نظر گرفت که متخصصی برای این منظور استخدام نماید. در نتیجه آقای [illegible] امریکائی که پانزده سال سابقه در کارهای شهرداری امریکا دارند بعنوان مشاور برای اصلاحات شهرداری استخدام گردیده و لایحه استخدامی ایشان برای تصویب نیز تقدیم مجلس شورای ملی شده است. آقای [illegible] سه روز پیش وارد تهران شده و [illegible] مراسم [illegible] ایشان بعمل خواهد آمد و در شهرداری مشغول کار خواهند شد.

قهرمانان کشتی تهران

نتیجه مسابقه کشتی که دیروز و پریروز انجام گردید بشرح زیر میباشد:

از دسته پهلو وزن یعنی پهلوانانی که وزن آنها بین ۵۲ و ۶۲ کیلو گرم است آقای [illegible] اول، آقای [illegible] دوم، آقای [illegible] سوم شدند.

از دسته [illegible] یعنی کسانی که وزنشان بین ۶۲ و ۷۲ کیلوگرم است آقای [illegible] سوم شده اند و [illegible] اول و دوم بعد مسابقه خواهند داد.

از دسته [illegible] یعنی کسانی که وزنشان از ۷۲ تا ۸۲ کیلو گرم است آقای [illegible] اول، آقای [illegible] دوم، آقای حسن [illegible] سوم شده اند.

از دسته [illegible] وزن یعنی پهلوانانی که وزن آنها از ۸۲ کیلو گرم بیشتر است آقای علی [illegible] چون [illegible] نداشت قهرمان شناخته شد.

آقای کریم [illegible] نیز چون [illegible] امتیازهای زیادی بوده اند در مسابقه قهرمانی کشور شرکت خواهند نمود.

در دانشکده حقوق

برحسب وقتی که تعیین شده بود پیش از ظهر دیروز کلیه استادان دانشکده حقوق برای انتخاب رئیس دانشکده در دفتر دانشگاه حاضر شده و در ساعت ۱۰ آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ نیز حضور بهمرسانیدند. [illegible] آقای دکتر سیاسی شرحی ایراد نمودند که خلاصه آن چنین بود:

«آرزوی علمی من این بود که بتوانم [illegible] دانشگاه را با تمام معنی اجرا کنم و رئیس هر دانشکده را خود استادان آن دانشکده انتخاب کنند [illegible] استقلال دانشگاه [illegible] اکنون [illegible] دانشگاه [illegible] آمد تا [illegible] در امور دانشگاه اعمال نظر نماید و [illegible] فرهنگ بوده و اکنون هم جزو استادان دانشگاه میباشم.»

بعد با ورقه برای انتخاب رئیس دانشکده حقوق رای گرفته شده و ۲۲ نفر استادان حاضر در جلسه ۱٤ نفر بسمت آقای مظاهر ([illegible]) رای دادند. آقای دکتر شایگان ۷ رای داشته و [illegible] ورقه سفید [illegible]. آقای مظاهر که یکی از استادان قدیمی دانشگاه و [illegible] کار آزموده میباشند بریاست انتخاب شدند.

جبهه دوم

بقیه از صفحه اول

موضوع گوئیکه ملت [illegible] تاثیر نهائی در دستگاه جنگی آلمان در روسیه [illegible] شوروی اثر بخش افتاد لیکن آن ها عقیده داشتند که این عملیات در جبهه استالینگراد و شمال قفقاز تاثیر موثری نخواهد داشت. [illegible] پیروزی [illegible] آسان [illegible] کشوری خواهد شد بلکه بایستی آلمان [illegible] را پشت دروازه های برلن و روی زمین شکست داد. بخصوص هنگامیکه تا کنون در جبهه شوروی [illegible] جلو رفته است. تبلیغات اشخاصی که میخواستند جبهه مصر و حملات هوائی [illegible] اروپا را جبهه دوم نام نهند [illegible] نرسید و باز هم ملت شوروی و هم اشخاصی که [illegible] از گفته های [illegible] خود برداشته.

این موضوع [illegible] اهمیت داشت که صورت مسافرت چرچیل و هریمن بمسکو بروز نمود. از مسافرت این دو مرد سیاسی باز معلوم بود که تا آنوقت مسائل معوق [illegible] حل نشده و پس از آن [illegible] مسکو این امر بیشتر [illegible] پیوست که بین محافل دولتی آمریکا و انگلستان از یک طرف و دولت شوروی از طرف دیگر گفتگوهای مفصلی راجع بلزوم فوری جبهه دوم در [illegible] است.

در اثنا این جریانات [illegible] بوقوع پیوست و [illegible] محور سعی کرد این [illegible] را گشایش جبهه دوم قلمداد کند لیکن هم شوروی ها و هم سایر ملل آزاد دانستند که [illegible] این اقدام مقدمه جبهه دوم بوده [illegible] گفته های [illegible] انگلوساکس هنوز هم مقدمات آن کاملا فراهم نشده است.

نبرد [illegible] نظیر [illegible] و [illegible] آن مسافرت [illegible] را خود جلب ساخت و بیش از پیش ملل امریکا و انگلستان [illegible] که آن ها نیز بایستی فعالیت کنند.

در این اثنا کارشناسان و ناظرین امور سیاسی [illegible] اظهار داشتند که اگر اختلاف نظری موجود باشد بر سر این جمله از قرارداد [illegible] است «... درباره گشایش جبهه دوم در اروپا بسال ۱۹٤۲ ...»

[illegible] در این میان باز نظر محافل صلاحیتدار را خود جلب ساخته است [illegible] است که [illegible] هجوم آینده [illegible] اشاره [illegible] که [illegible] مدت دو ساعت با استالین گفتگو کرده بود.

ما بارها عقیده و نظریه خود را راجع بلزوم فوری گشایش جبهه دوم بیان کرده و طبق [illegible] جداگانه ای که میرسید عقیده داشتیم که این عمل [illegible] خواهد بود و

تربیت نژاد خالص

بقیه از صفحه اول

شوروی ها و [illegible] یکدسته جوانان [illegible] منظور [illegible] سرمایه داران آلمان است و [illegible] این جوانان قانونا «!» حق دارند دختری را [illegible] بپسندند [illegible] آورند و چون دولت [illegible] را در سر لوحه اقدامات اساسی خود قرار داده است این جوانان هرچه بیشتر طفل بر نژاد برگزیده «!» اضافه کنند پاداش بیشتری خواهند داشت لذا عده زیادی از دختران و زنان آلمان [illegible] یک پا در [illegible] میشوند تا مانند حیوان تخم گیری [illegible]. از روی اصول علمی «!» [illegible] به [illegible] وقاحت تا [illegible] شده است و ملت آلمان تا چه حد زیر یوغ ستمگری فاشیسم ناله میکند.

اخیرا در جبهه شوروی مدرکی جالب توجهی بدست آمده است:

«خطاب بدسته های S.S.

بهبودی نسل جوانان آلمانی [illegible] ما داده است:

۱ — بهترین راه برای اصلاح نژاد آنست که جوانان سالم و برجسته را در تخمگیری بکار برند

۲ — در تخمگیری بایستی طرفین از جنس خوب انتخاب شوند.

۳ — جوانان ازطبقه پست را بایستی یکباره محو نمود

... لذا در دهات روسیه بایستی طوری تخمگیری شما اعمال گردد که در فاصله کمی نژاد آلمانی در خاور اروپا توسعه یابد.»

این دیو صفتان آدم نما وقاحت را تا سرحد حیوانیت کشانده اند و خیال میکنند که با تولید اطفال آهن اراده پست میتوانند نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در سرتاسر جهان برقرار کنند. یکروز دنیا به [illegible] فاشیسم در قرن [illegible] خواهند خندید.

همچنانکه ما امروز از طرز تفکر و آداب اقوام صحرا نشین چندین هزار سال پیش در شگفتی می افتیم و اعمال ناپسند بعضی از اقوام دوره جاهلیه را مورد سرزنش قرار میدهیم.

هنوز هم بتجربه خود باقی هستیم.

ژنرال مژور لوپر انگلیسی در روزنامه [illegible] نگاشته است:

«.... ما سرباز باندازه کافی داریم و همان [illegible] ۱۵۰۰۰۰ سرباز انگلیسی را [illegible] میتوانند آن واقعه را در حمله [illegible] جبران کنند ....»

با بمباران های هوائی و محاصره دریائی و جنگهای تبلیغاتی هیتلر شکست نخواهد خورد [illegible] ملل اسیر اروپائی و دویست میلیون جمعیت اتحاد جماهیر شوروی و میلیونها ساکنین آمریکا و انگلستان یکزبان اظهار می دارند:

«**جبهه دوم هر چه زودتر بایستی در اروپا گشوده شود.**»

آگهی مناقصه

۲۵ قلم خواربار مورد نیاز شش ماهه آخر سال ۱۳۲۱ بیمارستان کارخانجات بموجب [illegible] که در اداره حسابداری کارخانه سیمان موجود است و برایگان بداوطلبان داده خواهد شد از راه مناقصه خریداری میشود. پیشنهاد دهندگان باید مبلغ یکهزار و پانصد ریال بعنوان سپرده شرکت در مناقصه بحساب شماره ۲۷ و ۱۰۰٤۵ بانک ملی ایران تادیه نموده و رسید آنرا پیوست پیشنهاد خود نموده تا ساعت ده صبح ۱٤ مهر ماه ۱۳۲۱ بدفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند پیشنهادهای رسیده در روز بعد با حضور شرکت کنندگان در دفتر این اداره باز و خوانده خواهد شد

ش ۲۱۵

۱—۲

کارخانه سیمان

دفتر وکالت ابوالفضل لسانی

آخر خیابان [illegible] کاشی شماره ۱۵۶

همه روزه باستثنای ایام تعطیل از ساعت ٤ الی ۸ بعدازظهر [illegible] پذیرائی میشود.

۲—۳

چاپخانه علمی

اخطار

بمشترکین محترم و تکفروشهای روزنامه مردم در شهرستانها

نظر باینکه [illegible] روز افزون [illegible] و مخارج چاپ [illegible] روزنامه [illegible] مشترکین و تکفروشهای [illegible] مراتب زیر را اخطار میکند:

۱ — حساب فروش [illegible] گذشته و همچنین بهای اشتراک روزنامه بایستی حد اکثر تا آخر مهر ماه تصفیه شود و وجه آن با ضمیمه صورت حساب کامل بآدرس روزنامه ارسال گردد.

۲ — از این به بعد نیز حساب فروش هر ماه باید تا نیمه ماه بعد تصفیه و ارسال گردد.

در صورت عدم رعایت مراتب فوق از ارسال روزنامه بآدرس آقایان مشترکین و تکفروشها خودداری خواهد شد.

آگهی

فروش روغن ماشین — روغن زیتون — روغن گرچک
نفت سیاه و اشیاء فرسوده

ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۲ مهر جاری در محوطه انبار فرسوده (اکبر آباد دولاب) بمزایده فروخته میشود.

ش ۳۱۶

رئیس اداره سررشته داری ارتش

دکترس معصومه فرهنگ

دیپلمه خارجه

متخصص در بیماریهای داخلی

آدرس: خیابان شاهرضا. میدان فردوس
اوقات پذیرائی: ساعت ٤ تا ۷ بعد از ظهر